



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه علوم انسانی

پیشگفتار

پرداختن به قرآن و معانی آن تا به اندازه‌ای است که به تعبیر استاد زرین کوب: «مثنوی گهگاه همچون تفسیری لطیف و دقیق از تمام قرآن کریم محسوب می‌شود... بدین گونه اشمال برمعانی و لطایف قرآنی در مثنوی تا حدی است که از این کتاب نوعی تفسیر صوفیانه، موافق با مذاق اهل سنت می‌سازد.»^۳

علت این اعتبار بسیار برای قرآن و اعتنای بیشتر از سایر شاعران، حتی شاعران عارف نیز متعدد است. غیر از سوابق شغلی و خانوادگی او که بیشتر وعظ و افتاء بوده، دلایل و انگیزه‌های شخصی و معرفتی دیگری نیز باعث می‌شده است که او کتاب خود را کاملاً صیغه‌ای الهی و قرآنی بدهد و سیرت و صورت مثنوی را با سیرت و صورت کلام و پیام

کتاب شریف مثنوی که به وصف «معنوی» همراه گشته، درواقع عمق معنویت خود را از قرآن کریم کسب کرده و این نکته‌ای است که هم از متن آن کتاب برمی‌آید و هم گوینده آن به تکرار بدان اذعان دارد. در مقدمه منشور دفتر اول از قول جناب مولانا می‌خوانیم که کتاب خود را «کشاف القرآن»^۱ می‌نامد.^۲

در مثنوی شریف، استفاده، استشهاد و استمداد از مضامین و داستان‌های قرآنی چنان وسیع و پربسامد و متنوع است که فهم اکثر مطاوی مثنوی جز با شناخت مفاهیم قرآنی یا ممکن نیست و یا در صورت امکان، همه جانبه و کامل نمی‌تواند باشد. البته در مقابل، شناخت برخی حقایق باطنی و معنوی قرآن نیز با کتاب مولوی ممکن‌تر به نظر می‌رسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



دکتر رضا روحانی

قرآن در ابیات مثنوی» است .

این کتاب در ۷۲۸ صفحه ارائه شده که ۹ صفحه اول آن پیشگفتار ، و حدود ۱۰۰ صفحه آخر آن نیز شامل فهرست آیات و ابیات مندرج در کتاب است .

در پیشگفتار کتاب که به قلم جناب خرمشاهی است ، بحثی کوتاه (۵ صفحه) در انواع ربط و پیوند قرآن و مثنوی آمده و بیان شده که «سبک و ساختار تو در تو و خوشه - خوشه ، و گسسته نمای ظاهری (و پیوسته باطنی) مثنوی هم متأثر از شیوه و شکل و زبان و بیان و سبک و سیاق قرآن است.»^۴

ایشان یکی از وجوه ربط و پیوند این دو کتاب را نفوذ الفاظ و معانی

حق بیاراید و بیاگند .

باری ، در این مقال قصد معرفی و بررسی اجمالی اثری را داریم که به تازگی و به نام **قرآن و مثنوی** به بازار دانش عرضه شده است . کتاب حاضر تدوین آقایان بهاءالدین خرمشاهی و سیامک مختاری است که در نشر قطره (۱۳۸۳) منتشر شده و عنوان فرعی آن «فرهنگواره تأثیر آیات

آیات و عبارات قرآنی در ابیات مثنوی می‌داند که که از دیدگاه ایشان به ۵ شکل: تضمین، برگرفتن، اقتباس، الهام گرفتن و اشاره داشتن قابل حصر است. البته در متن کتاب همه اثرپذیری‌ها تحت یکی از سه عنوان اقتباس، الهام و اشاره (و به ندرت «برگرفته») آمده است.

درباره شیوه کار و تدوین کتاب نیز می‌خوانیم که «ساختار این کتاب مرجع، چنین است که ابتدا ابیات مثنوی که ربط و پیوندی یعنی اثرپذیری از آیات و عبارات قرآنی دارند، با حروف سیاه، درج شده و در ذیل آن شماره دفتر و شماره بیت آمده است.»^۵

بعد از ذکر بیت از مثنوی، آیه اصلی مورد اشاره یا اقتباس و یا الهام ذکر شده و نشانی آیات مشابه آمده و ترجمه آیه نیز از ترجمه جناب خرمشاهی نقل شده است. شرح و توضیحی نیز نیامده «مگر به ندرت و در جایی که کمال ضرورت را داشته است که به خواننده / مراجعه کننده در موارد دیرپاب، که ربط و رابطه آشکار نیست، یاری داده شود.»^۶ کل کتاب از ابتدا تا انتها به همین شیوه تدوین شده است.

در اینجا در دو بخش، به مزایا و معایب کار که به نظر نگارنده این سطور آمده اشاره می‌شود:

الف. مزایا

۱. این کتاب به علت پرداخت ویژه به آیات مثنوی در حجمی شایسته و با چایی زبینه و بی‌غلط و چشم نواز، قابل توجه و ارزشمند است.
۲. کتاب حاضر با ترجمه آیات مورد اشاره در مثنوی، بر همگانی شدن استفاده از آن افزوده است. امری که در برخی کتاب‌های مشابه، مثل «آیات مثنوی» مغفول مانده بود.

۳. با اهتمام و تلاش مبارک تدوین کنندگان محترم، برخی از ابیات مثنوی که پیشتر ربط و پیوندشان با مثنوی بازیابی و ذکر نشده بود، یا حداقل در آثار پراکنده و مختلف ذکر شده بود، در یک مجموعه فراهم آمده است.

ب. کاستی‌ها و اشتباهات

با همه تلاشی که تدوین کنندگان محترم کتاب به انجام رسانده‌اند، برای مراجعه کننده یا خواننده آشنا به مثنوی و مقوله مولوی پژوهی ابهامات، کاستی‌ها و اشتباهاتی در تدوین کتاب و محتوای آن دیده می‌شود که ذکر برخی از مهم‌ترین آن موارد ضروری به نظر می‌آید:

۱. کافی نبودن دلایل و توجیهاات تدوین کتاب

با وجود کتاب‌هایی ویژه درباره آیات مثنوی و نیز درج آیات مثنوی در اکثر شروح گذشتگان و معاصرین^۷، در کتاب حاضر دلایل چندان موجهی در ضرورت تدوین چنین اثری دیده نمی‌شود، یعنی در ابتدای کتاب به خوبی توجیه و تبیین نشده که چه ضرورت‌ها و نیازها و انگیزه‌های تازه‌ای موجب تدوین این کتاب شده است.

درباره پیشینه این کار و آثار همانند، در پیشگفتار اثر، نام دو اثر (مرآت المثنوی و آیات مثنوی) و یک شرح (شرح آقای کریم زمانی) نقل شده و گفته شده که این کوشش‌ها برای نمایاندن تأثیر آیات قرآنی در مثنوی قابل توجه اما ناتمام بوده است. سپس، در جواب این سوال که «چرا کتاب حاضر به این درجه از حجم و جامعیت رسیده است،

آورده‌اند که «تاکنون کسانی که به تدوین این گونه فهرست‌ها همت ورزیده‌اند، فقط انس با آیات قرآن و ابیات مثنوی داشته‌اند. و تا این زمان و این اثر، هیچ‌گاه محقق‌هایی که حافظ کل قرآن بوده‌اند، به تنظیم چنین فرهنگ فهرست‌وار یا فهرست فرهنگ‌واره‌ای نپرداخته است. عمده امتیاز کتاب مرجع حاضر در این است که تحقیق و تطبیق اصلی و اولیه و کارساز آن را یکی از حافظان برجسته قرآن... عهده دار بوده‌اند... و سالیان سال نیز با مثنوی محشور بوده‌اند.»^۸

چند اشکال عمده در اینجا مشهود است، اول آنکه بهتر بود به سایر کوشش‌های انجام گرفته در این زمینه نیز حداقل اشاره می‌شد تا خواننده دریابد که با همه این کوشش‌ها، چه ضرورتی وجود داشت که کتابی به شکل حاضر تدوین شود؟

نکته دیگر آنکه این سخن در کجا گفته یا اثبات شده است که هیچ کدام از شارحان و تدوین کنندگان معاصر و به ویژه در گذشته، امثال انقروی و اکبرآبادی، حافظ کل قرآن نبوده‌اند؟

سومین ایرادی که بر کلام فوق الذکر وارد است آنکه الزامی در این نیست که هر که حافظ مصحف شریف باشد (و با مثنوی نیز محشور باشد) بهتر از کسی این خدمت را به انجام رساند که حافظ کل قرآن نیست. چه بسا کسی که در شناخت و پژوهش قرآن و مثنوی تبحر بیشتری دارد (اما حافظ قرآن نیست) بتواند تأثیر آیات قرآن در مثنوی را با استفاده از شیوه‌ای درست، بهتر و بیشتر از آنچه در این کتاب انجام یافته، بازنمایی کند.

۲. فقدان روشمندی لازم و طرح تازه

درباره غیر روشمند بودن اثر یا تازه نبودن شیوه تدوین کتاب ذکر این نکات ضروری است:

اول آنکه در تدوین این کتاب، طرح ویژه‌ای دیده نمی‌شود، و دسته‌بندی تازه‌ای از انواع تأثیرات قرآن در مثنوی و شیوه‌های اثرپذیری مولوی از قرآن ارائه نشده است و از این جهت کتاب بدیعی محسوب نمی‌شود^۹، یعنی طرح مطالب در این اثر، همانند همان کاری است که در کتاب‌های مشابه و در شروح نو و کهن مثنوی انجام یافته است.

دیگر آنکه در این اثر، موارد مشابه به جای ارجاع به یکدیگر، در اکثر موارد تکرار شده است، و علت اصلی حجم زیاد کتاب نیز همین نکته بوده، و این امر اگر آگاهانه باشد شائبه افزون‌سازی حجم کتاب را به ذهن می‌آورد. ارجاع موارد تأثیر به مورد نخست در کتاب بسیار اندک و انگشت‌شمار است، چنانکه در ۲۵۰ صفحه نخست کتاب بیش از ۵ مورد به موارد مشابه قبلی ارجاع نشده است. امری که با قاعده‌های نوین نگارش و تدوین کتاب، به ویژه در کتابی با عنوان و قصد مرجع شدن و فرهنگ‌وارگی سازگاری ندارد.^{۱۰}

به عنوان نمونه عین آیه ۶۹ سوره انبیاء: (قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم) و ترجمه آن، در ۱۵ موضع از این کتاب (صفحات ۵۱ - ۶۳ - ۶۵ - ۹۱ - ۱۶۵ - ۱۷۸ - ۱۸۱ - ۲۲۶ - ۲۴۵ - ۲۴۸ - ۲۷۶ - ۳۰۰ - ۳۴۱ - ۵۷۲ - ۶۲۱) بدون هیچ ضرورتی، تکرار شده که اگر یک مورد درج و ۱۴ مورد دیگر به مورد اول ارجاع می‌شد، هم کار روشمندتر می‌شد و هم بیهوده بر حجم کتاب افزوده نمی‌گشت.

این کار (تکرار موارد، به جای ارجاع آنها) وقتی درشتناک‌تر و

ناخوش تر است که بدانیم تعداد کثیری از آیات، به تکرار، در بسیاری از مواضع مثنوی اقتباس یا اشاره شده است. برخی آیات پرکاربرد حتی بیش از ۱۰ بار در مثنوی اشاره شده، که در کتاب حاضر، در همه موارد، بدون ارجاع، تکرار گشته است.^{۱۱}

این کار تلویحاً گران محترم، به ویژه به این دلیل که در انتهای کتاب نیز فهرست مفصل و جامعی از آیات به کار رفته در کتاب، با شماره صفحات و شماره ابیات نقل شده، و مراجعه کننده به راحتی می تواند موارد مشابه و تکراری را بیابد، غیر ضروری تر جلوه کرده است. سوم آنکه نام فرعی کتاب که «فرهنگواره تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی» است ایجاب می کرد که کتاب طرحی دیگر (فرهنگ مانند) داشته باشد نه به شیوه پشت سر هم آوردن ابیات شش دفتر و ذکر آیات ترجمه شده مناسب با ابیات در پی آن.

چهارم آنکه یافته های کتاب یعنی موارد اشاره و الهام و اقتباس، در همه موارد به طور قطع و یقین ذکر شده، در صورتی که روشمندتر آن بود که تدوین گران گرامی، حداقل برخی از موارد غیر صریح و پنهانی تر



را احتمالی فرض می کردند، به عنوان مثال می نوشتند که این بیت احتمالاً اقتباسی از فلان آیه است یا آنکه محتمل است یا گمان می رود که به فلان آیه اشاره (دور یا نزدیکی) داشته باشد.

۳. استغنا از منابع و عدم استناد و ارجاع بدانها

در کاری این چنین که به انگیزه کاری مرجع و نهایی تهیه می شود شرط آن است که با مراجعه به آثار مشابه و شروح مثنوی، بررسی و بازنمایی شود که چه ابیات یا آیاتی از آن آثار فوت و فراموش شده تا در این اثر تکمیل و تدارک گردد. از ظاهر کار چنین برمی آید که ارجاع و استنادی به منابع نشده و تهیه کنندگان ارجمند در این کتاب خود را از این کار مستغنی می دانسته اند. این استغنا باعث شده که نقص ها و

اشتباهاتی در اثر راه یابد که در نهایی و کامل بودن آن خلل ایجاد کند. برخی از این نواقص در ذیل ذکر شده است.

۴. کاری نه برای همیشه یا غیر نهایی بودن کتاب

کتاب حاضر، به رغم انتظار یا ادعا، به هیچ وجه به صورت کاری «یکبار برای همیشه»^{۱۲} در نیامده و این دعوی، در کتاب، معنا نیافته است. هرچند که در مورد کمتر کاری نیز به ضرس قاطع می توان مدعی شد که کاری نهایی و آخری باشد.

این کار در صورتی می توانست کاری تقریباً نهایی فرض شود که حداقل در همه منابع موجود که به آیات مثنوی اشاره کرده اند، به ویژه شروح مثنوی، استقصایی صورت می گرفت.

نگارنده برای این دعوی خود که این کار تا نهایی شدن هنوز فاصله هایی دارد (که امید است این دو بزرگوار یا دیگران خلأها و خلل ها را پر کنند) به برخی از تأثیر و تأثراتی که از این کار فوت شده اشاره می کند. نمونه را از کتاب «مکاشفات رضوی در شرح مثنوی»^{۱۳} شاهد می آوریم، کتابی که شرح کامل همه ابیات مثنوی نیز به شمار نمی رود، اما در همین اثر غیر کامل نیز، در نگاهی گذرا، حداقل فقط در دفتر اول به ۱۲ بیت برمی خوریم که صاحب مکاشفات پیوندی نهانی یا آشکار بین ابیات و آیات بی برده اند که در کتاب قرآن و مثنوی (کتاب مورد بحث) اثری از آن موارد نیست. برای رعایت اختصار فقط به دو مورد و شماره ۱۰ بیت دیگر از دفتر اول، به همراه شماره سوره و آیه (که در آن کتاب به قرآن ارجاع مناسب داده شده) اشاره می شود:^{۱۴}

بیت ۹۷۹

بد محالی جست کو دنیا بجست

نیک حالی جست کو عقبی بجست

محمدرضا لاهوری، صاحب مکاشفات رضوی می نویسد: «تضمین آیه من کان یرید حرث الاخره نزد له فی حرثه و من یرید حرث الدنیا نوته منها و ما له فی الاخره من نصیب (۲۰ / ۴۲)»
بیت ۲۶۶۸

تا که حجت ها همی گفتیم ما

تا به جای ما چه آیدای خدا

لاهوری می نویسد: «اشاره به آیه اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدرس لک (۲/۳۰)»

بیت ۴۷۰ اشاره به سوره ۴ / آیه ۲۸

بیت ۶۰۶ = سوره ۵ / ۴۱

بیت ۹۷۰ = سوره ۵۵ / ۳۳

بیت ۹۸۴ = سوره ۲۴ / ۳۷

بیت ۱۹۴۰ = سوره ۸ / ۱۷ و سوره ۴۸ / ۱۰

بیت ۲۰۶۵ = سوره ۱۴ / ۲۸

بیت ۲۵۰۵ = سوره ۱۶ / ۲۰

بیت ۲۶۶۷ = سوره ۲ / ۳۰

بیت ۳۸۰۳ = سوره ۲ / ۱۶۵

بیت ۳۸۲۱ = سوره ۲ / ۷۴

البته این فوت و فراموشی ها تنها به دفتر اول منحصر نمی شود اما همین اندازه برای اشاره کافی است.

۵. درج مباحث غیر ضروری و کم ارتباط

اشاره و ورود به مباحث غیر ضروری و بی تناسب با اهداف کتاب نیز کم نیست. برای مثال، کلمات مهجور و دشوار ابیات، به کمک دو کتاب (شرح کریم زمانی و مثنوی به تصحیح دکتر توفیق سبحانی) معنا شده است، انجام این کار، هرچند در جای خود سودمند، در کتابی اینچنین که اثری مرجع معرفی می شود و موضوع آن چنین کاری را ایجاب نمی کند ضرورتی ندارد.

همچنین است شرحی که تدوین کنندگان محترم کتاب برای برخی ابیات، به ویژه ابیات آغازین دفتر اول آورده اند، کاری که بدون ضرورتی در صفحات آغازین کتاب شروع شده، و در صفحات میانی (به ویژه از صفحه ۷۵ به بعد) به طور محسوسی رها می شود.

نقل برخی احادیث و دعاها (به ویژه دعا‌های امام سجاده (ع)، و برخی کلمات امام علی (ع)) برای برخی ابیات، از همین مقوله است، کار و وظیفه‌ای که در عنوان یا مقدمه، برای کتابی مرجع که به قصد شناسایی ابیات قرآن در مثنوی تدوین شده، تعریف نشده است.

۶. دیگر موارد اشتباه

مواردی که به عنوان اشتباه یا کم دقتی تدوین گران محترم کتاب می توان برشمرد (علاوه بر مواردی که در بالا اشاره شد) اندک نیست، در نگاهی گذرا و انتقادی به این نکات می توان اشاره کرد:

اول آنکه برخی از نمونه‌هایی که در کتاب به عنوان «اشاره» به آیه ذکر شده با عنوان اشاره جای نمی‌گیرد و بیشتر از مقوله الهام و تأثیر پذیرنی نهانی و غیر مستقیم از آیات الهی است، به عنوان نمونه این موارد:

دفتر ۱۸۲۵/۱ - دفتر ۱۸۷۰/۱ - دفتر ۱۱۷۶/۴ - دفتر ۶۱۶/۵ - دفتر ۲۶۴۲/۵ - دفتر ۸۵۳/۶

و...

منشأ اصلی این کم دقتی که دامن گیر کتاب شده، به عدم تعریف روشن و دسته بندی روشمند از انواع و اقسام تأثیر گذاری های قرآن در مثنوی برمی گردد. جناب خرمشاهی در تعریف الهام و اشاره می نویسد: «الهام از یک آیه / عبارت قرآنی و اشاره به آن فی الواقع فرق چندانی ندارد، و گاه به لفظی و معنوی تقسیم می شود. عملاً لفظی را اشاره و معنایی ها را الهام به حساب آورده ایم... حاصل آنکه اشاره و الهام با هم فرق چندانی ندارند و زیر مجموعه اقتباس اند.»^{۱۵}

به این ترتیب، ایشان اقتباس های لفظی از قرآن را اشاره و اقتباس های معنایی را الهام به حساب آورده اند که اگر تقسیم بندی تازه و بدیعی باشد، تقسیم بندی مفید و راه گشایی نیست، درست تر به نظر می رسد که بگوییم اشاره به اشاره لفظی و معنوی تقسیم می شود، یعنی یک بیت می تواند اشاره لفظی یا معنایی به فلان آیه داشته باشد، اما نمی تواند الهام داشته باشد، بلکه می تواند از آیه ای آشکارا و آگاهانه یا ناآشکارا و غیر آگاهانه الهام گرفته باشد. به عبارت دیگر، حرف اضافه «از» و «به» در واژه «الهام» و «اشاره»، به قول معروف اضافی نیست و معنارا مختلف

می کند، ما نمی توانیم بگوییم «اشاره به» همان «الهام از» است و فرق چندانی با هم ندارند (هرچند لفظ الهام و اشاره در یک معنا نزدیک به هم باشد).

مواردی نیز در این کتاب به آیات قرآن ارجاع داده شده که ربط روشنی - حداقل در نگاه اینجانب - به آیات قرآنی ندارد و به راحتی و حتی با دشواری نیز نمی توان حکم کرد که بیت به فلان آیه «اشاره» دارد. برای نمونه به چند مورد اشاره می شود:

- ص ۲۵ / ۱ / ۳۶

بود شاهی در زمانی پیش ازین

ملک دنیا بودش و هم ملک دین

نوشته اند «اشاره دارد به آیه و منهم من یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنه

و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار...»

- ص ۲۵ / ۱ / ۲۷۵

هر دو صورت گر به هم مانند رواست

آب تلخ و آب شیرین را صفاست

نوشته اند «اشاره به عبارت قرآنی و ما یتسوی البحران هذا عذب

فرا ت سائخ شرابه و هذا ملح اجاج...»

- ص ۴۳ / ۱ / ۴۵۴

هر که جز آگاه و صاحب ذوق بود

گفت او در گردن او طوق بود

نوشته اند: «اشاره به آیه انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی

ربهم یتوکلون...»

- ص ۷۷ / ۱ / ۱۲۷۳

گفت پیغامبر به تمییز کسان

مرء مخفی لدی طی اللسان

نوشته اند «اقتباس از آیه ولو نشاء لاریناکهم فلعرقتهم بسیماهم و

لتعرفنهم فی لحن القول والله یعلم اعمالکم...» در اینجا اشاره به حدیث

مسلم و اقتباس از آیه مشکوک بلکه مردود است، حداقل باید اشاره

می شد که این کلام نبوی مأخوذ از قرآن است.

(البته در بیت ۸۴۶ از دفتر دوم:

آدمی مخفیست در زیر زبان

این زبان پرده ست بر درگاه جان

چون کاربرد مولانا به طور مطلق و بدون ذکر نام گوینده است، اشاره

به آیه می تواند صحیح باشد)

- ص ۸۵ / ۱ / ۱۶۰۸

گفت پیغمبر که ای مرد جری

هان مکن با هیچ مطلوبی مری

مورد مشابهی است که کلام نبی (ص) است و در کتاب آمده که به

این آیه قرآن اشاره دارد: «... فلا تمار فیهم الا مرءا ظاهرا»

- ص ۳۹۰ / ۴ / ۲۴۴۲

غزبان حمله غزا چون کم برند

کافران برعکس حمله آورند

نوشته‌اند: «اشاره به عبارت قرآنی واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل...»

ص ۵۰۲: ۵/ ۲۶۴۱-۲۶۴۰
گفت روبه صاف ما را درد نیست

لیک تخیلات وهمی خوردنیست

نوشته‌اند: «اشاره به آیه و قاسمها انی لکما لمن الناصحین...»

ص ۵۵۰: ۶/ ۷۰۱
مطرب آغازید پیش ترک مست

در حجاب نغمه اسرار الست

اشتیباهات، قرآن دوستان و مثنوی پژوهان را هرچه بیشتر و بهتر به کار آید.

پانویست‌ها:

* **قرآن و مثنوی** (فرهنگ تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی)، تدوین بهاء‌الدین خرمشاهی و سیامک مختاری، انتشارات قطره، چاپ اول ۱۳۸۳.

** **عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان**

۱. **مثنوی معنوی**، جلال‌الدین مولوی، تصحیح رینولد نیکلسون، مولی، بی تا، مقدمه،

ص ۱.

۲. برای تفصیل بیشتر ر. ک به مقاله "قرآن در مثنوی معنوی" از نگارنده، چاپ شده در

فصلنامه هنر دینی، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۹.

۳. **سرفی**، عبدالحسین زرین کوب، علمی، چاپ اول ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۴۲.

۴. **قرآن و مثنوی**، پیشگفتار، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.

۷. در کتاب‌های دیگری نیز به استقلال یا در ضمن شروع مثنوی و در فهرست‌های آخر

شرح، به تأثیر آیات قرآنی در مثنوی، به طور ویژه و وسیع اشاره شده که تدوین کنندگان کتاب نه نامی از آنها برده‌اند و نه ظاهراً از آنها بهره‌ای گرفته‌اند، آثار نامبرده در ذیل از جمله آنهاست:

آیات مثنوی معنوی، تدوین نظام‌الدین نوری کوتنایی (هرچند که کتابی بسیار پرغلط

است)، فهرست‌های هشتگانه **شرح مثنوی نیکلسون**، تهیه و تدوین آزاده موسوی، / **شرح**

مثنوی دکتر استعلامی، جلد ۷ که شامل فهرست‌های شش دفتر است، / **شرح مثنوی**، دکتر

سید جعفر شهیدی / **نثر و شرح مثنوی**، از عبدالباقی گولینارلی، ترجمه دکتر توفیق سبحانی /

نقد و تحلیل مثنوی و اعلام آن، علامه محمد تقی جعفری / و از شرح گذشتگان به ویژه

شرح اشرفی و اکبرآبادی و محمدرضا لاهوری، به آیات مثنوی اشارات بسیاری کرده‌اند.

۸. **قرآن و مثنوی**، ص ۱۴.

۹. برای اطلاع از دسته‌بندی‌هایی نوین از تأثیر آیات قرآن در شعر فارسی و از جمله در

مثنوی، ر. ک: **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، دکتر سید محمد راستگو، سمت،

چاپ اول ۱۳۷۶.

۱۰. در کتاب **آیات مثنوی**، تدوین دکتر محمود درگاهی، (امیرکبیر، ۱۳۷۷) به تأثیر

حدود ۱۲۰۰ آیه در مثنوی اشاره شده اما به علت ارجاع موارد تکراری و عدم ترجمه آیات، حجم

کتاب از ۱۹۱ صفحه تجاوز نکرده است.

۱۱. مثل این ۱۲ آیه که در مجموع ۱۸۳ بار در مثنوی تأثیر نهاده است:

۳۴ / بقره: ۱۵ - بار / ۷۴ / بقره: ۱۱ - بار / ۳۹ - آل عمران: ۱۴ - بار / ۱۷۲ / اعراف: ۱۹ - بار

۱۷۹ / اعراف: ۱۳ - بار / ۱۷۱ / انفال: ۱۸ - بار / ۱۱۱ / توبه: ۱۴ - بار / ۱۸ / کهف: ۱۲ - بار / ۶۹ / انبیاء:

۱۵ - بار / ۳۵ / نور: ۱۸ - بار / ۱۰ / سبأ: ۱۷ - بار و ۸۲ / یس: ۱۷ - بار .

۱۲. **قرآن و مثنوی**، ص ۱۶.

۱۳. **مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی**، محمدرضا لاهوری، مقدمه،

تصحیح و تعلیقات: رضا روحانی، سروش، چاپ اول ۱۳۸۱.

۱۴. شماره ابیات از نسخه نیکلسون، چاپ انتشارات مولی است.

۱۵. **قرآن و مثنوی**، ص ۱۳-۱۴.



نوشته‌اند: «اشاره به عبارت قرآنی... الست بریکم قالوا بلی...» که اگر ما مواردی مثل آمدن واژه الست را نیز اشاره به آیه به حساب آوریم باید برای هر کلمه‌ای که در مثنوی آمده و با قرآن اشتراک لفظی دارد نیز شاهد یا شواهد و اشاراتی بیاوریم، کاری که موجه و ممکن نخواهد بود.

ص ۵۵۰: ۶/ ۷۰۲

پیش این خورشید کویس روشنی است

در حقیقت هر دلیلی رهنمی است

نوشته‌اند: «اشاره به آیه شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و

اولوالعلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم»

در آخر، مولوی وار از خدا جویم توفیق ادب، و امیدواریم کتاب مورد

بحث، که در تدوین آن زحمت زیادی کشیده شده، با رفع نواقص و